



A Comparative Study of the Role and Models of Public Oversight of Political Power within the Framework of Modern State Thought and Religious Governance (Hokoomat dini)

Mohammad Tehrani Javaheri^{*1} | Hamidreza Olyaei² | Najmeh Safaei³

1. Assistant Professor, Department of Public and International Law, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: tehrani.mj@gmail.com
2. PhD Candidate in Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: hamidrezaoo@yahoo.com
3. Master's Degree in Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: najmeh.safaei1996@gmail.com

Volume info

Vol. 5
Series: 18
Summer 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
08 April 2025

Revised:
24 April 2026

Accepted:
10 May 2026

Published:
22 June 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685



Abstract

The concept of oversight over power and the design of its mechanisms have always been a subject of contemplation for scholars in the fields of law, political science, and management. However, the main issue of this research is to articulate the theoretical foundations of oversight in the modern state which follows a rights-based approach and in religious governance (Hokoomat dini) which follows a duty-based approach. The challenges arising from the fusion of these two perspectives in designing indigenous oversight systems often lead to inefficiencies in governance. Therefore, This research draws on library sources to conduct a comparative analysis of the foundations and models of oversight in the modern state and religious governance, focusing on the specific conditions of Islamic Iran.

The findings of this research indicate that in the modern state, oversight of power is based on citizenship rights and is rooted in subjectivist anthropology and skepticism toward power. Consequently, its mechanisms are limited to external oversight such as separation of powers and transparency with a formalist approach. In contrast, in religious governance, oversight is defined based on religious duty (Taklif shar'i) and theological anthropology, where humans are regarded as vicegerents of God (Khalifatullah). In this model, internal oversight is centered on piety (Taqva), while external oversight such as enjoining good (Amr bil Ma'ruf) and forbidding evil (Nahy az Monkar), selection of officials, and intermediary institutions is built upon it. Furthermore, the absence of oversight is considered a sin (Ma'siyat) and entails both worldly and spiritual consequences.

The conclusion is that the oversight model in religious democracy (Mardomsalari Dini) is fundamentally different from the secular rights-based model as it relies on religious duty-based governance (Taklif gerayi shar'i) and collective responsibility. Overcoming the challenges of the existing oversight system requires the design of indigenous mechanisms based on the objectives and foundations of religious governance, without blending them with the models of the modern state.

Keywords: Oversight, Religious Government, Islamic Governance, Modernity, Democracy

Cite this Paper: Tehrani Javaheri'M & Olyaei'H, Safaei'N.(2026). A Comparative Study of the Role and Models of Public Oversight of Political Power within the Framework of Modern State Thought and Religious Governance (Hokoomat dini). *Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution*. 5(18), 87-111



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



مطالعه تطبیقی جایگاه و مدل‌های نقش‌آفرینی مردم در نظارت بر قدرت سیاسی در چارچوب

اندیشه دولت مدرن و حکومت دینی

محمد طهرانی جواهری^{۱*} | حمیدرضا علیایی^۲ | نجمه صفائی^۳

Email: tehrani.mj@gmail.com

۱. استادیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Email: hamidrezaoo@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترا، حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Email: najmeh.safaei1996@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد، حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

مفهوم نظارت بر قدرت و طراحی سازوکارهای آن همواره در نظام‌های سیاسی محل تامل اندیشه‌مندان حوزه حقوق، علوم سیاسی و مدیریت بوده است. اما مسئله اصلی این پژوهش، بیان مبانی نظری نظارت در دولت مدرن (رویکرد حق‌محور) و حکومت دینی (رویکرد تکلیف‌محور) و چالش‌های ناشی از تلفیق این دو دیدگاه در طراحی سیستم‌های نظارتی بومی است که منجر به ناکارآمدی در حکمرانی می‌شود. از این‌رو در پژوهش حاضر از طریق منابع کتابخانه‌ای به مطالعه تطبیقی مبانی و الگوهای نظارت در دولت مدرن و حکومت دینی (با تمرکز بر اقتضانات بومی ایران اسلامی) پرداخته می‌شود.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در دولت مدرن، نظارت بر قدرت مبتنی بر حقوق شهروندی است و ریشه در انسان‌شناسی سوبژکتیویستی و بدبینی به قدرت دارد. به همین علت سازوکارهای آن خلاصه به نظارت بیرونی (تفکیک قوا، شفافیت) با رویکردی فرمالستی می‌شود. اما در حکومت دینی نظارت بر اساس تکلیف شرعی و انسان‌شناسی الهیاتی (جایگاه انسان به عنوان خلیفه‌الله) تعریف می‌شود. در این الگو، نظارت درونی یا همان تقوا محور است و نظارت بیرونی (امر به معروف و نهی از منکر، گزینش کارگزاران، نهاد های واسطه) بر آن استوار می‌گردد. همچنین عدم نظارت، موجب معصیت بوده و دارای عواقب دنیوی و اخروی است.

نتیجه‌گیری آن است که الگوی نظارت در مردم‌سالاری دینی، با تکیه بر تکلیف‌گرایی شرعی و مسئولیت‌پذیری جمعی امت، ماهیتاً متفاوت از مدل سکولار حق‌محور است و غلبه بر چالش‌های نظام نظارتی موجود، مستلزم طراحی سازوکارهای بومی مبتنی بر اهداف و مبانی حکومت دینی، بدون التقاط با الگوهای دولت مدرن است.

کلیدواژه‌ها: نظارت، دولت دینی، حکومت اسلامی، مدرنیته، دموکراسی.

سال و شماره

سال ۵، پیاپی: ۱۸

تابستان ۱۴۰۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۹۸۰-۸۹۰۱

الکترونیکی: ۲۸۲۱-۱۶۸۵



استاد: طهرانی جواهری، محمد؛ علیایی، حمیدرضا؛ صفائی، نجمه (۱۴۰۵). مطالعه تطبیقی جایگاه و مدل‌های نقش‌آفرینی مردم در نظارت بر قدرت سیاسی در چارچوب اندیشه دولت مدرن و حکومت دینی؛ مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۸۷-۱۱۱؛ (۱۸)۵

مقدمه و بیان مسئله

مسئله حق نظارت بر اعمال حکومت از جانب شهروندان در شیوه حکمرانی مدرن و از باب دموکراسی و مشارکت در امر عمومی، همواره به عنوان یکی از حقوق شهروندی و از مؤلفه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رفته است. از همین رو ادبیات حق نظارت در مقام نظریه‌پردازی دولت مدرن فریه گردیده و برخی از حقوق‌دانان داخلی نیز با رویکرد حقوق تطبیقی و با هدف اخذ دستاوردهای تمدن متجدد غرب در حوزه نظارت، به دنبال نظارت بر اعمال حکومت بوده‌اند (ر.ک: گرجی، ۱۴۰۳). اما چنین رویکردی نسبت به مقوله «نظارت» خالی از ایراد نبوده و منجر به چالش‌های گوناگونی برای نظام حقوقی و حکمرانی کشور شده است، چراکه در دولت مدرن، مردم و جامعه مدنی با مبنایی خاص و حق‌محور بر دولت نظارت می‌کنند در حالی که در یک جامعه دینی مبتنی بر تکلیف شرعی، اقتضا متفاوتی برای جایگاه مردم و نهادهای واسطه در عرصه عمومی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین التقاط دیدگاه‌های دینی و مدرن در طراحی الگو و سیستم نظارتی، نظارت ناکارآمدی را در عرصه حکمرانی موجب خواهد شد. از این رو ضروری می‌نماید که ضمن آشنایی با عناصر و مؤلفه‌های نظری رویکرد دولت مدرن و نیز رویکرد حکومت دینی، به الگوها و راهکارهای متفاوتی که این دو رویکرد برای نظارت بر عرصه عمومی دارند و نیز تمایز آن‌ها پرداخته شود.

نگارندگان برآنند که برای دوری از التقاط، پیش از مراجعه به نظام‌های حقوقی سایر کشورها برای اخذ و استفاده دستاوردهای علمی آنان در نظام حکمرانی خود، باید به سنت بومی ایرانی - اسلامی که مطابق با فرهنگ و ارزش‌های مورد قبول جامعه ایرانی است، رجوع شود. بر همین اساس مقاله پیش رو تلاشی است در جهت آنکه مسئله نظارت بر اعمال حکومت مبتنی بر اهداف و مبانی حکومت دینی و به تعبیر دیگر بر اساس اقتضائات بومی تحلیل و بازخوانی شود تا به این واسطه بتوان از چالش‌های موجود در این عرصه عبور کرد. بنابراین ساماندهی پژوهش حاضر آن است که نخست به‌ناچار و البته به‌اجمال به نظام حقوقی مدرن و جایگاه مردم و نقش جامعه مدنی و نهادهای برآمده از آن در نظارت بر قدرت پرداخته می‌شود و سپس به دیدگاه دینی و نقش مردم و نهادهای واسطه در حکومت برآمده از آن، اهتمام ورزیده می‌شود.

مبانی نظری

در غرب مدرن مبتنی بر فلسفه کانت، انسان با گذار از دوره کودکی و به کار گیری عقل خود به گونه‌ای مستقل و بدون راهنمایی و هدایت دیگران، به مثابه «سوژه» تلقی گردیده و همه چیز به عنوان «ابژه» و در نسبت با انسان تعریف می‌شود. (Kant, 2013: 1) بر این اساس این انسان است که در محور همه چیز قرار گرفته و خود اوست که بر مبنای حق ذاتی خویش تشخیص می‌دهد چگونه به اداره امور شخصی و اجتماعی‌اش پردازد. مبتنی بر فلسفه فوق، هر چیزی جز اینکه انسان خود بر خود حکومت کرده و برای خود قانون وضع کند و بر خود نظارت کند (مسعودی، واعظی، ۱۴۰۱: ۱۱۰) همانند اینکه دیگرانی بتوانند سرپرستی انسان را با توجیهاتی از قبیل اجرای دستورات خداوند و امور ماوراطبیعی و غیره برعهده گرفته و بر آنان حکومت کنند قطعاً امری مذموم بوده و همچنان نشان از دوره کودکی چنین انسان‌هایی دارد. (موسوی اصل، ۱۳۹۷: ۷۲) با این بیان، مقوله نظارت نیز ذیل خودمحوری انسان مدرن تعریف می‌شود چه آنکه اولاً انسان باید سازکارهای نظارت بر خود را سامان دهد و ثانياً انسان صرفاً در مقابل حقوق انسان‌های دیگر مسئول است. افزون بر این، مبتنی بر انسان‌شناسی فیلسوفانی چون هابز، طبع انسان تجاوزگری به حقوق دیگران و قدرت طلب دانسته می‌شود (هابز، ۱۳۸۲: ۱۵۸ و ۱۳۸) بنابراین به صورت پیشینی نگرشی منفی به قدرت سیاسی انسان‌ها در این رویکرد وجود دارد. (شهریاری، ۱۴۰۰: ۲۱۸) پس مقدمات و نتیجه منطقی این رویکرد آن است که اولاً طبیعت انسان خودبنیاد، تجاوز به حقوق دیگران است ثانیاً باین حال گریزی از قدرت سیاسی در جامعه برای انتظام امور نیست، ثالثاً از آنجایی که انسان صرفاً در مقابل حقوق دیگر انسان‌ها مسئول است؛ در نتیجه باید سازکارهایی کاملاً عینی و بیرونی (همانند تفکیک قوا) برای نظارت بر قدرت سیاسی که برآمده از قرارداد اجتماعی انسانی است به وجود آید.

اما انسان‌شناسی در اندیشه دینی، مبتنی بر یک دیدگاه الهیاتی است. انسان، نه شرور و قدرت طلب بلکه دارای فطرتی خداجوست که سر منشأ تمام خیر هاست. (روم: ۳۰) وظیفه انسان در نظام هستی، بندگی خداوند است (ذاریات: ۵۶) و جایگاه او امانت داری از ودیعه الهی (احزاب: ۷۲ و

۷۳) و خلافت کردن از جانب وی است. (بقره: ۳۰) و تا این بندگی به اکمال نرسد، انسان را مقام خلیفه الهی نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۴۰۳: ۱۵۶)

اما از آنجا که هدف غایی حکومت دینی فارغ از انسان‌شناسی خاص آن نیست، بر همین مبنا بیان می‌شود که هدف از حکومت دینی «رشد امت» در جهت عبودیت^۱ است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۰۰) تا انسان‌ها بواسطه عبودیت اجتماعی به تعالی الهی و کمال حقیقی رسند. (میرباقری، ۱۳۹۰: ۱۱۷) در واقع اسلام حکومت را ابزاری برای تحقق عبودیت و تعالی انسان در مسیر قرب الهی می‌داند.

بر این اساس بر خلاف اندیشه مدرن که بیانگر نگرش منفی به انسان است و صرف مهار قدرت با معیارهای عینی در آن موضوعیت دارد، در نگرش دینی نظارت درونی (خودکنترلی مبتنی بر تقوا) محور قرار می‌گیرد و نظارت بیرونی (مانند امر به معروف و نهی از منکر) تنها در پرتو نظارت درونی کارآمد می‌شود. به دیگر عبارت، عناصر عینی نظارت (به عنوان یکی از اجزا مدنیت و نظام اجتماعی دینی) خود مبتنی بر عناصر درونی است و آن چیزی که عناصر درونی را می‌سازد دریافت و شناخت انسان بر پایه وحی و دین است. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۳: ۴۹ و ۵۷) از این رو، سازوکارهای نظارتی (مانند گزینش پیشینی کارگزاران) با معیارهای درونی دینی (عدالت، تقوا) طراحی می‌شود. نهادهای واسطه (مانند حزب الله) نیز نه برای کسب قدرت، بلکه مبتنی بر فلسفه و هدف حکومت اسلامی «از تجمع افراد دین مداری تشکیل می‌شود که شبکه روابط اجتماعی را بر اساس گزاره های دینی تنظیم می‌کنند» (واعظی، ۱۳۷۷: ۸۹) تا بدین طریق بتوانند در هدایت حکومت به سوی اهداف الهی و جلوگیری از منحرف شدن آن از مسیر و هدف اصلی خود نقش داشته باشند. (حسینی شیرازی، ۱۳۶۱: ۳۷۵-۳۷۸ و پور فرد، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۹) از این رو گفته می‌شود که در راستای رسیدن به هدف غایی حکومت اسلامی، اهداف میانی وجود دارد که می‌توان مجموعه این اهداف میانی را ذیل عنوان «اقامه دین» خلاصه کرد. (منتظری، ۱۴۰۹: ج ۳: ۲۹) این اهداف میانی یا همان «اقامه دین» به عنوان تکلیف آحاد مسلمانان شمرده می‌شود (شوری: ۱۳) و

۱. مفسرین عبودیت را به معنای «وابستگی بی قید و شرط بنده به مولا می‌دانند، به گونه‌ای که بنده چیزی از خود نداشته باشد و با همه وجود مطیع و تسلیم خداوند باشد. یعنی بنده نه دنبال تمایل قلبی خود باشد و نه در مقابل معبود به اندیشه خود تکیه کند.» (جوادی آملی، ۱۴۰۳: ۶۴)

منجر به مشارکت، حضور فعال و سهم‌پذیری شدن در امور اجتماعی از جانب مردم در قالب‌های گوناگونی چون انجمن‌ها و احزاب اسلامی خواهد شد. (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۶۸)

الگوی فوق در تقابل با دموکراسی لیبرال قرار می‌گیرد که در آن مسئولیت دولت و نظارت بر آن بر اساس تفکر سوئزکتیویته است (مسعودی، واعظی، ۱۴۰۱: ۱۳۴) و حق نظارت شهروندان، قابل اسقاط توسط عقل و اراده خودشان تلقی می‌شود. این تفاوت ماهوی در دو انسان‌شناسی (انسان عبدِ الهی است یا اینکه سوژه‌ای است که تمام اشیا عالم اثره او تلقی می‌گردند) به تولید دو نوع مدنیت متفاوت به حیث ماهوی و ذاتی می‌انجامد. نتیجه آنکه بر مبنای نظری این مقاله، مردم سالاری دینی با تکیه بر تکلیف‌گرایی و مسئولیت‌پذیری امت، الگویی متمایز از مردم‌محوری سکولار است.

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش، باید اذعان نمود که ادبیات نظارت و مبانی و ساختار آن در حوزه دولت مدرن گسترش یافته است (برای نمونه: ن. ک: احمدی، ۱۳۹۶ و راسخ، ۱۳۹۷) اما در عرصه حکومت دینی بیشتر تالیفات به صرف شناسایی مؤلفه‌هایی که نشان دهنده نظارت در حکومت هستند اکتفا شده (ن. ک: اخوان کاظمی، ۱۳۹۱) و یا آنکه میان مؤلفه‌های نظارتی دینی با ساختارهای نظارتی مدرن این همانی برقرار گردیده است تا بدین واسطه شریعت واپسگرا و ارتجاعی تلقی نگردد. (ن. ک: جعفری، ۱۳۸۸) اما در کمتر اثری به جایگاه نظارت در حکومت دینی با تأکید بر مبانی وحیانی و قدسی خاص خود که منجر به گسترش مردم سالاری دینی شود، اشاره شده است. در معدود آثاری نیز که داعیه نشان دادن تمایز نظارت در نظام اداری اسلام و غیر اسلام یا غرب را داشته‌اند، یا ورودی به مسئله نقش نظارت مردمی و گسترش مردم سالاری مبتنی بر دیدگاه اسلامی و غیر آن داشتند و یا فقط به نظارت مقام مافوق یا ناظر و ویژگی‌های آن مقامات پرداخته‌اند. (ن. ک: فتح‌اللهی، ۱۴۰۱) از این رو در نوشتار حاضر با این رویکرد به مفهوم نظارت پرداخته شده است که مؤلفه‌های نظارتی موجود در شریعت همانند امر به معروف و نهی از منکر، اولاً مبتنی بر مبانی دینی خاص خود هستند و ثانیاً حائز غایتی اند غیر آنچه که در دولت مدرن وجود دارد، بنابراین باید ساختار و نظام‌سازی متفاوتی در امر نظارت و جایگاه مسئولانه مردم و

نهادهای واسط در آن تعریف شود تا بتوان مردم سالاری دینی را ایجاد کرد و آن را گسترش داد. از این منظر است که می‌توان گفت پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های قبلی دارای نوآوری است.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله برای پاسخ به سؤال اصلی خود در بستر پارادایم تفسیری انجام شده است و از حیث روش، از روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی بهره می‌برد. در گردآوری داده‌ها نیز روش کتابخانه‌ای و اسنادی مبنای کار قرار گرفته است.

نکته حائز اهمیت در خصوص پارادایم تفسیری آنکه این پارادایم بر فهم معانی، تفسیر متون و مفاهیم فلسفی تأکید دارد و برای پژوهش‌های کیفی که به تحلیل مبانی نظری، مفاهیم فقهی و کلامی می‌پردازند، مناسب است؛ بر همین مبنا، در این پژوهش مفهوم «نظارت بر قدرت» در دو نظام فکری متفاوت تفسیر و تحلیل می‌شود. افزون بر این، از آنجا که در این مقاله ابتدا مفاهیم، مبانی نظری و سازوکارهای نظارتی در دولت مدرن و حکومت دینی به صورت دقیق توصیف می‌شوند و سپس با تحلیل عمیق این مفاهیم، تفاوت‌ها و ویژگی‌های هر نظام استخراج و تبیین می‌گردد، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده گردیده است. در نهایت، با توجه به اینکه دو مدل نظارت بر قدرت یاد شده در مقام قیاس قرار می‌گیرند، از رویکرد تطبیقی بهره برده می‌شود.

سؤال پژوهش

مبانی، مؤلفه‌های نظری و الگوهای دولت مدرن و حکومت دینی در تبیین نقش آفرینی مردم در حوزه نظارت بر قدرت سیاسی چه تفاوت‌هایی بایکدیگر دارند؟

۱. نقش مردم و جایگاه نظارتی آن‌ها در دولت مدرن

از آنجا که «دموکراسی از لحاظ لغوی به معنای حکومت مردم است» (هیوود، ۱۳۸۶: ۱۵۲) و رژیم‌های مدرن مردم محور بر تفکر دموکراتیک استوارند (Sartori, 1987: 182-213) بنابراین مردم یا ملت در این نظام‌ها به عنوان سرچشمه حاکمیت شناخته می‌شوند و قدرت سیاسی نیز متعلق

به همه افراد دانسته می‌شود (قاضی، ۱۳۹۸: ۱۸۶ و ۲۱۸) چنانکه ژان ژاک رسو گوید: هر عضو جامعه سهمی برابر در حاکمیت دارد (رسو، ۱۳۴۱: ۱۰۴ و ۱۰۵) و نیز آنچنان که در ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه آمده است: «ریشه هر حاکمیتی اساساً در ملت است...» با اینکه رژیم‌های مردم‌سالار ممکن است در عمل به اشکال مختلفی ظاهر شوند که از آن به مدل‌های دموکراسی تعبیر می‌شود (Cunningham, 2002) لیکن همه این مدل‌ها ذیل حکومت مردم بر مردم یا همان دموکراسی تعریف می‌شوند. بنابراین در چنین جامعه‌ای که «مردم» حاکمیت دارند و «قدرت دولت از رضایت مردمی نشئت می‌گیرد» (لیست، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۹۷) همه افراد آزاد و برابرند. (هلد، ۱۳۷۸: ۴۰۷) پس هیچ دلیلی وجود ندارد که فردی بر دیگران مسلط شود مگر از طریق انتخابات که ابزار اعمال «حاکمیت مردم بر مردم» است. (طباطبائی مومنی، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۷) در واقع مردم باید در انتخابات و تغییر حکومت آزادی اراده داشته باشند (Shapiro, 2003: 1) تا بدین طریق نظام سیاسی دموکراتیک متفاوت از دیگر نظام‌های سیاسی بازشناخته شود (Kirrpatrik, 1982: 2)

به تبع ریشه مردمی و انسانی حاکمیت در دولت مدرن، مسئله «نظارت» بر حاکمان منتخب مردم بدان جهت که این گروه دچار انحراف و سوءاستفاده از قدرت نشوند، به عنوان یک حق مطرح می‌شود، زیرا همان گونه که قدرت سیاسی و تعیین سرنوشت از حقوق مردم تلقی می‌گردند، بدیهی است که نظارت بر قدرت سیاسی نیز در زمره حقوق آنان خواهد بود. (احمدی، ۱۳۹۶: ۷۱۰) به همین علت است که گفته می‌شود: «شهروندان در رژیم مردم‌سالار مدرن، مشارکت فعال در تشکیل، اداره و نظارت بر حکومت دارند.» (Dahl, 2000: 37-38)

اما علی‌رغم جایگاه اصیل و ذاتی مردم به عنوان منشأ حاکمیت در دولت‌های مدرن، نقش نظارتی آن‌ها غیرمستقیم و یا لاقابل به صورت درجه دوم است؛ زیرا علاوه بر مشکلات دموکراسی‌های مستقیم (ن.ک: قاضی، ۱۳۹۸: ۳۲۹ و طباطبائی مومنی، ۱۳۸۶: ۷۴)، عدم تعادل میان ابزارهای فرمانروایان و فرمانبران مانعی خواهد بود تا مردم نتوانند به صورت مستقیم و مؤثر به نظارت بر حاکمان بپردازند. لذا برآیند منطقی چنین دیدگاهی همان است که برخی صاحب‌نظران بدان رسیده‌اند، یعنی «نظارت، نخستین یا مهم‌ترین عنصر تشکیل دهنده نظام حقوق اساسی نیست» و در نتیجه نظارت را صرفاً موجب «افزایش آگاهی عمومی و بهبود فرهنگ سیاسی و عمومی» دانسته‌اند.

(راسخ، ۱۳۹۷: ۲۴ و ۳۰ و ۳۶) البته قابل انکار نیست که افزایش آگاهی عمومی و ارتقای فرهنگ سیاسی جامعه می‌تواند موجبی برای حساس شدن جامعه مدنی نسبت به قدرت و شهریان شود و از این حیث مقوله «فشار افکار عمومی» به عنوان ابزاری برای نظارت به کار آید. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۳۰ و ۱۳۱) اما با این همه، همچنان نگاه درجه دوم و بدون ضمانت اجرا نسبت به «نوع نظارت مردمی» وجود دارد. این مسئله را می‌توان در راستای حق محور بودن نظارت در اندیشه مدرن جست‌وجو کرد. زیرا همان گونه که برخی به درستی اشاره کرده‌اند: اگر «نظارت» صرفاً از جنبه‌ای که حق مردم است نظریه پردازی شود، از آنجا که قابلیت اسقاط حق از جانب ذی‌حق وجود دارد (جعفری، ۱۳۸۸: ۲۳۵) بنابراین کاملاً طبیعی خواهد بود که برخی از شهروندان دولت مدرن به هر علتی نخواهند این حق خود را به مرحله استیفا برسانند.

۲,۱ نقش نظارتی جامعه مدنی در دولت مدرن:

در خصوص نقش نظارتی جامعه مدنی در دولت‌های دموکراتیک باید التفات نمود که اولاً آن‌ها مبتنی بر همان مبانی خاص اومانیستی و سبژوکتویستی مدرن یعنی سوژه بودن من نفسانی انسان هستند، و به عنوان یک واسطه میان دولت و مردم و با هدف تجمع خواسته‌های عمومی و امیال مردمی به دنبال آن هستند که این خواسته‌ها را به نظام حاکمه منعکس کنند (زرشناس، ۱۳۹۲: ۳۰ و ۴۰-۴۱) و ثانیاً به واسطه پشتوانه مردمی و صنفی و همچنین استقلال از قدرت سیاسی، می‌توانند بر دولت اعمال نفوذ کرده و در راستای منافع صنفی و یا عمومی عمل نمایند. (قاضی، ۱۳۹۸: ۵۷۰ و ۵۷۵) لذا اینکه برخی گفته‌اند: نهادهای مدنی ممکن است به دنبال منافع جناحی، نژادی، بومی خود بوده و مصالح عمومی را در نظر نگیرند و از مسیر و کارویژه خود منحرف شوند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۲۹) لزوماً گزاره‌ای صواب نیست، زیرا چنانکه گذشت، اساساً نقش جامعه مدنی با صورت‌های گوناگون آن (اعم از حزب، انجمن، صنف و غیره) در دولت مدرن، پیگیری خواست و امیال گروه‌های مردمی و حتی در مورد حزب کسب قدرت سیاسی است. چنانکه دوورژه در تعریف حزب می‌گوید: «حزب، گروهی از شهروندان با آرمان مشترک و منافع ویژه است. [حزب] با یاری مردم می‌کوشد تا قدرت دولتی را به دست گرفته و یا اینکه در قدرت شریک گردند.» (دوورژه، ۱۳۷۲: ۴۲۴) بنابراین کاملاً بدیهی و محتمل است که خواست و اراده گروه‌های کوچک

با اراده عمومی در تعارض افتد و البته این مسئله در نگرش جامعه سیاسی مدرن نه تنها مذموم نبوده که از لوازم دموکراسی فعال و تعارض افکار نیز به شمار می‌رود.

۳,۱ نظارت، مولود نگرش منفی به قدرت سیاسی در دولت مدرن:

نگاه بدبینانه به «قدرت» در نظام‌های مدرن، ریشه در تجربه تاریخی و اجتماعی آنان از دوران حاکمان جبار و مستبد دارد. (کدخدایی و جواهری طهرانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳) چنانکه زولر با اشاره به نقد منتسکیو بر تمایل همه انسان‌ها برای سوءاستفاده از قدرت، بیان می‌کند: «ملت آمریکا به دلیل نفرت از سلطه انسان بر انسان، بی‌اعتمادی دیرینه به قدرت دارد. آمریکایی‌ها قدرت را گاه به اقیانوس بی‌پایان، گاه به یک سرطان که اندام سالم را از بین می‌برد و گاه نیز آن را چون آرواره‌ای که آماده بلعیدن است، تشبیه می‌کنند.» (زولر، ۱۳۹۶: ۱۷۲)

اما جالب آن که در دولت مدرن حتی نسبت به قدرت مردمی و اصول‌نمایندگی نیز نگاه خوش‌بینانه‌ای وجود ندارد. به تعبیر جفرسون: «۱۷۳ نماینده مستبد می‌تواند به همان اندازه یک فرد مستبد، ستمگر باشند.» (Jefferson, 1984: 245) این نگاه منفی به قدرت، در تعاریف راجع به قدرت نیز نمایان است. به‌عنوان مثال؛ رابرتسون، قدرت را تحمیل امری بر دیگری به نحوی که برخلاف او باشد می‌داند. (Robertson, 1998: 221)

در حقیقت در نگرش دولت مدرن، قدرت سیاسی به‌عنوان محدودکننده آزادی انسان‌ها، یک شر ضروری تلقی شده که صرفاً برای برحذر ماندن از مصائب بزرگتر پذیرفته می‌شود. (جونز، ۱۳۸۳، ج ۲: ۸۳۸) اما در عین حال باید برای این شر ضروری قید و بندهایی گذاشت به گونه‌ای که قدرت را در قالب نهادهای مختلف توزیع نمود و بر آن‌ها نظارت کرد تا امکان تعرض غیرقانونی به آزادی‌های سیاسی و مدنی به حداقل رسد.

۴,۱ الگوها و راهکارهای نظارت در دولت مدرن:

مبتنی بر مبانی فوق، نگاه بالذات منفی به قدرت در مقوله «نظارت» خود را این چنین جلوه گر می‌کند که تفاوتی ندارد چه شخصی زمامدار باشد زیرا همه به یک اندازه ممکن است ملوث شده و از قدرت سوءاستفاده کنند. لذا نظارت صرفاً پسینی و حداکثر در حین انجام عمل است (راسخ،

۱۳۹۷: ۲۲) و برای نظارت پیشینی نه تنها اعتباری قائل نمی‌شوند بلکه آن را ناصواب دانسته و به صورت خاص در حوزه استخدام کشوری و دیگر مشاغل اداری و حتی سیاسی از مصادیق محدود کردن حقوق و آزادی‌ها و نقض اصل برابری مندرج در بند ۲ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ می‌شمارند. (ن. ک: واعظی، ۱۴۰۲: ۲۶۲ و امامی، استوارسنگری، ۱۳۹۹، ج ۱: ۲۰۶)

نکته مهم دیگر در خصوص دیدگاه دولت مدرن در حوزه نظارت آن است که چون تناسب و تعادل ابزاری برای مردم در مقابل گروه حاکم وجود ندارد، لاجرم احتیاج است که قدرت سیاسی به چندین بخش تقسیم شود و هر بخش نیز اولاً باید خود منبعث از مردم باشد و ثانیاً بر اعمال یکدیگر نظارت کنند (مهار قدرت با قدرت). از این روست که نظریه تفکیک قوا به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی که می‌تواند حقوق اساسی مردم را تأمین کند و از احتمال فساد بکاهد، مقبول می‌افتد. (ایمانی، احمدوند، ۱۳۹۷: ۱۱) پر واضح است که برآیند منطقی چنین رویکردی بوروکراسی اداری در ساختار حکومتی است، زیرا امر نظارت صرفاً مبتنی است بر نظارت سازمان‌ها و قوای حاکمیتی بر یکدیگر و در نتیجه، نظام کنترل بیرونی بر نظام کنترل درونی تفوق می‌یابد. (فتح‌اللهی، ۱۴۰۱: ۱۳۴۴)

با این همه ساختار تفکیک قوا و بروکراسی برآمده از آن خالی از عیب نبوده و جامعه‌شناسانی؛ چون وبر در آثار خود به نقد و ارزیابی ساختار بروکراتیک و دیوان‌سالار جوامع مدرن پرداخته‌اند. (ن. ک: دفلیم، ۱۳۹۸: ۳۰) به عقیده وبر عقلانی شدن معطوف به هدف در جوامع مدرن، عقلانیتی صوری و متکی به ریاضیات و علوم تجربی است و لذا در این جوامع صورت‌گزار یا وسایل از محتوا یا هدف‌کش، مهم‌تر است (تقدم صورت بر ماهیت). (وبر، ۱۳۸۸: ۲۴) از این‌رو در وهله‌های بعد برای جبران کاستی‌های ساختار فرمالیستی تفکیک قوا و نظام بروکراتیک مدرن، مسئله شفافیت ساختار حکومت و نظریاتی مانند «دولت شیشه‌ای» به عنوان معیاری برای حکمرانی خوب و عاری از فساد، مطرح می‌شود. (علیایی، ۱۴۰۳: ۷۲ و ۴۵)

۱. بند ۲ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نائل آید».

۲. منطق‌شناسی نظارت در اندیشه دینی:

پیش از بررسی اهمیت و نقش نظارت مردم در حکومت دینی، ضروری می‌نماید که منطق دین در مسئله نظارت تبیین گردد. بر همین اساس در بادی‌امر باید گفت تأکید اولیه و اصلی دین بر نظارت درونی و به عبارت دیگر مشارطه، مراقبه، محاسبه و در نهایت متعابه و معاقبه نفس انسانی است که علمای اخلاق تأکید بسیار بر آن دارند. (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۲۴-۱۳۳) بر خلاف نظرگاه مدرن که «هیچ‌کس نمی‌تواند قاضی امر خویش باشد» (سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۸۱)، در علم اخلاق اسلامی همه باید قاضی اعمال خود باشند، زیرا چنین نظارتی احساس حضور را در محضر حضرت حق تقویت کرده و در نتیجه مانع تخلف انسان می‌شود. (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۶) لذا اگر مراحل نظارت نفس مراعات گردند، نظارت بیرونی (که در این نگرش خود مبتنی بر نظارت درونی است) به گونه‌ای اثر بخش‌تر کارگر می‌افتد. به همین علت است که بیان شده: «همه نصایح و تذکرات امام علی (ع) نسبت به مردم و کارگزاران حکومت، در راستای تقویت نظارت درونی است.» (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

بر پایه مبانی فوق، نظارت درونی در جامعه سیاسی دینی شأنی اصیل دارد به گونه‌ای که ابتدای نظارت بیرونی بر نظارت درونی است. توضیح آنکه نظام حقوقی و سیاسی اسلام، اصولاً بر اصل ایمان به خدا بنا شده است و به همین علت انسان جانشین و خلیفه خداوند در روی زمین قرار داده شده^۱ تا در اداره حکومت و امر عمومی آنچه را که خداوند اراده فرموده است، اجرا کند^۲ (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۱۳۱) و خود استقلالی در مقابل خداوند ندارد. (طاهری خرم آبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۷ و ۱۰۹) چنانکه در توقیع معروف امام زمان^۳ به این نکات اشاره شده است: اولاً راویان حدیث از طرف امام (که خود از جانب خداوند مامور به انجام اوامر و نواهی الهی است) وکیل بر انجام این اوامر هستند و ثانیاً نظارت الهی بر امام معصوم و نظارت امام بر راویان حدیث وجود دارد. (حسینی حائری، ۱۴۰۲: ۲۶) بر این مبنا در نظام سیاسی شیعه اگر شرط عدالت که به معنای عدم ارتکاب گناه کبیره و عدم اصرار بر گناه صغیره است (العاملی، ۱۳۰۹ ق، ج ۲: ۷۹۲ و ۷۹۳. شیخ انصاری،

۱. (بقره: ۳۰) (فاطر: ۳۹)

۲. (حدید: ۷)

۳. «أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَالِقَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زَوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۴۸۴)

۱۳۶۸، ج ۳: ۱۸۰-۱۸۳) از شخص حاکم زائل گردد، به معنای زوال ملکه تقوا از وی بوده و ولایتی که از جانب امام معصوم به ایشان داده شده است، خودبه‌خود ملغی می‌گردد. امام خمینی (ره) بر این مطلب صحه می‌گذارند و می‌فرمایند: «یک کلمه دروغ یا یک نگاه به نامحرم فقیه را از عدالت می‌اندازد... فقیه اگر یک گناه صغیره هم کند از ولایت ساقط می‌شود... بنابراین یک همچون آدمی نمی‌تواند خلاف کند.» (امام خمینی، ج ۱۱: ۱۳۳ و ۳۰۶)

«بنابراین «ا شکال» فقدان ضمانت اجرا» در نظام حقوقی اسلام از جانب کسانی طرح می‌گردد که از اصول و پیش‌فرض‌های اسلامی دور افتاده‌اند. اگر نه هیچ عامل بیرونی نمی‌تواند مثل «تقوا» انسان را از ارتکاب گناه باز دارد. وجود «تقوا» از آنجا ناشی می‌گردد که انسان همواره خود را در محضر پروردگار متعال و تحت نظارت نیروهای غیبی حس کند و مرگ را همیشه در کمین ببیند. در غیاب ایمان به غیب و شرم از خداوند ناگذیر باید عاملی بیرونی همچون پلیس با توسل به زور و نظارتی دائم که بر عدم اعتماد مبتنی است، انسان را از ارتکاب اعمال زشت بازدارد... اکنون در نظامات اجتماعی مغرب‌زمین... «وحشت از زندان و عواقب قانونی» جانشین «خوف از معاد» شده است و «شرم حضور» جای خود را به «ترس از نظارت دائمی پلیس» داده است؛ و البته چون این نظارت محدود است و به خلوتگاه راه نمی‌برد، جرائم هنگامی «جرم» محسوب می‌شوند که یا در محضر «عموم» انجام شود و یا کار به رسوایی کشد... حال آنکه شرع به «نظام درونی انسان» که از «تقوا و تعهد الهی» او منشأ گرفته است اصالت می‌دهد، هرچند که از «نظم بیرونی» و «احکام و قوانین» نیز غفلت نمی‌کند؛ و البته لازم به تذکر است که صدور قوانین در اسلام به ذات مقدس پروردگار متعال برمی‌گردد، حال آنکه در «دموکراسی»، قانون مأخوذ از اراده اکثریت است... پس نتیجه آنکه جامعه موعود اسلامی، جامعه‌ای است که از دو نظام درونی و بیرونی برخوردار است؛ اما در این میان اصالت با نظام درونی است و دستگاه‌های انتظامی در مرحله بعد و در مقام تکمیل این نظام تشکیل می‌گردند.» (آوینی، بی‌تا) بنابراین اگر مهار قدرت سیاسی صرفاً محدود به نظارت بیرونی انسان‌های غیرمعصوم نسبت به یکدیگر شود، در غیاب مهار درونی، باید آنقدر بر ناظران

۱. این مطلب در آیات قرآن نیز به خوبی قابل رهگیری است. در آیه ۱۲۴ سوره بقره هنگامی که خداوند حضرت ابراهیم را به مقام امامت نائل می‌کند، حضرت از خداوند سوال می‌پرسد که آیا این مقام شامل فرزندانم نیز می‌شود که در پاسخ خداوند می‌فرماید: این پیمان به ظالمین نمی‌رسد.

ناظر گمارد تا بتوان مقدار سوءاستفاده از قدرت را به کمترین میزان خود (نه حتی به صفر) رساند. در نتیجه مهار بیرونی قدرت سیاسی توسط انسان‌ها بدون پشتوانه مهار درونی غیرممکن خواهد بود. (ایزدهی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

۳. نظارت بیرونی در حکومت دینی:

از آنجایی که ممکن است نظارت درونی و احساس حضور در محضر حضرت حق در همه انسان‌ها به قدر کافی وجود نداشته باشد، بنابراین مسئله نظارت بیرونی مهم می‌افتد. (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۶) در واقع نظارت درونی می‌تواند از اشتباهات عمدی و سوءاستفاده از قدرت جلوگیری کند لیکن نمی‌تواند مانع اشتباه در تصمیم‌گیری شود. (ایزدهی، ۱۳۸۷: ۱۳۰) با این حال نباید فراموش کرد که در منطق دینی، نظارت بیرونی در مرحله پس از نظارت درونی است. از این رو در ادامه مقاله، منطق دینی در مسئله نظارت بیرونی بازخوانی خواهد شد.

۱.۳. گزینش و نظارت پیشینی

در نگرش دینی برخلاف نگاه مدرن، نه تنها بر دُهل سعایت قدرت نواخته نمی‌شود؛ بلکه اساساً آن را فی حد ذاته ممدوح می‌دانند؛ زیرا نوعی توانایی در مقابل ناتوانی است. آنچنان که این مطلب در تعاریف موجود ذیل دانش واژه «قدرت» در لغت‌نامه‌های فارسی به کار رفته است (بنگرید به: معین، ۱۳۸۲: ۱۸۱۲ و دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۵۳۹۹). همچنین امام خمینی نیز قدرت را فی نفسه، کمال و خیر دانسته و صفت قادر را از جمله صفات الهی بر می‌شمارند. (امام خمینی، ج ۱۸، ۱۳۸۹: ۲۰۶) و بالاخره آنکه حتی با یک نگاه حداقلی در اندیشه دینی، قدرت ابزاری است که ممکن است در جهت اهداف مطلوب یا ناشایست استفاده گردد. (کدخدایی و جواهری طهرانی، ۱۳۹۱: ۱۰۵) بنابراین در این تعریف نیز قدرت از امور آلی است که نسبت به استفاده صحیح یا فاسد از آن لابقضا و لابقضا است و در هر حال ذاتاً شر تلقی نمی‌گردد.

اما از آنجا که هدف از تشکیل حکومت دینی، رشد امت در جهت کمال و حرکت به سوی الله (مقدمه قانون اساسی و بند ۳ اصل دوم و بند ۱ اصل سوم) یا همان عبودیت خداوند در جهت خلیفه الهی انسان است (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۴۷-۵۰ و ۱۰۰) و استفاده صحیح از ابزار قدرت برای

رسیدن به این غایت، موضوعیت دارد (امام خمینی، ج ۱۸، ۱۳۸۹: ۲۰۶)، بنابراین در دیدگاه اسلامی، نظارت پیشینی برای تصدی مناصب حکومتی نه تنها قابل توجیه بلکه ضروری است. چه آنکه اولاً امام جامعه باید ظرفیت هدایت امت در مسیر رشد و عبودیت را داشته باشد. به دیگر عبارت، دین همانا برنامه هماهنگ سازی حرکت انسان، جامعه و تاریخ در جهت قرب الهی است و شخص ولی نیز کسی است که عامل وحدت در جهت ربوبیت و قرب است (میرباقری، ۱۳۹۹: ۱۳۷) و دوماً به تبع امام، تمامی کارگزارانی که مدیریت حکومت دینی را در سطوح کلان و خرد عهده دار می‌شوند، همگی باید هم‌مسیر و یاری رسان امام باشند تا بدین طریق رشد در جامعه ایمانی تحقق یابد. (پیروزمند، ۱۴۰۰: ۱۴۸) یعنی این گونه نیست که یک نفر به عنوان امام یا ولی به تنهایی بتواند جامعه را اداره کند زیرا اسلام هرگز با یک نفر در شئون مختلف جامعه حلول پیدا نمی‌کند، بلکه در عصر غیبت به منظور تمثیل عینی اسلام در تمام ابعاد و شئون جامعه (جواد آملی، ۱۳۹۸: ۴۸۶)، یک نظام اجتماعی هماهنگ در سطح کلان و خرد بر محور فقیه جامع الشرایط نیاز است. (میرباقری، ۱۳۹۸: ۳۳۴)

از طرف دیگر، منصب و مقام در حکومت دینی، تکلیف محور و از نوع امانت فرض می‌شود (مرتضایی، ۱۳۹۲: ۷۰) لذا است که در چنین جامعه‌ای به افرادی برای تصدی مناصب نیاز است که ویژگی‌های یاد شده را داشته باشند و این حاصل نخواهد شد مگر با نظارت پیشینی و گزینش دقیق. از این روست که امام خمینی (ره) در پیام‌شان به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب، هم به نظارت درونی و هم به نظارت بیرونی (از نوع پیشینی آن) تأکید کردند. (امام خمینی، ج ۱۹، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

۲.۳. مسئولیت و تکلیف نظارتی امت

فارغ از نظارت پیشینی، مسئله تکلیف نظارت امت بر رهبر و کارگزاران حکومت دینی در حین انجام مسئولیت‌شان، به مثابه یکی از مهم‌ترین قسم‌های نظارت بیرونی بشمار می‌رود. توضیح آنکه با نگاهی دقیق به متون دینی این نکته متبادر می‌شود که امت در جامعه اسلامی نقش پررنگی داشته و جنس نظارت آن‌ها بر اعمال زمامداران از نوع مسئولیت و داشتن تکلیف شرعی و الهی است. بدین معنا که آحاد امت به عنوان یک فریضه موظف هستند همواره نسبت به حاکمان و اعمال ایشان نظارت کنند و اگر به این مسئولیت خود عمل نکنند، در حقیقت به تکلیف شرعی خود عمل ننموده و در نتیجه مرتکب معصیت شده‌اند و نهایتاً در جهتی متباین با اهداف و مبانی حکومت

دینی عمل کرده‌اند. از این روست که مسئولیت‌نظارتی مردم در نگاه دینی از امور اعتباری یا قراردادی تلقی نمی‌گردد؛ بلکه امری حقیقی و مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی و دنیوی و اخروی امت است. به تعبیر شهید مطهری: «احکام شرعی بر پایه مصالح و مفاسد واقعی و از جانب شارع بنا گشته‌اند. یعنی هر امر شرعی برای هدایت به‌سوی یک مصلحت لازم‌الاستیفا و هر نهی شرعی ناشی از یک مفاسد واجب‌الاحتراز است.» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۹۸) بنابراین در این نگرش آحاد امت نه تنها منقاد محض حکومت نیستند؛ بلکه به‌عنوان بازیگران مهمی که در قالب نظارت بر حاکمان به بخشی از تکالیف شرعی خود اهتمام می‌ورزند مورد توجه قرار می‌گیرند.

باتوجه به توضیحات فوق، تمامی آموزه‌های اسلامی که به‌عنوان آیین نظارت مردمی در اسلام مورد تاکید هستند؛ همانند فریضه «امربه معروف و نهی از منکر» که خود از اصول دینی به شمار می‌رود و یا قاعده «النصیحه لائمة المسلمین» از جنس تکلیف شرعی هستند و در ذیل حدیث نبوی «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۳۸) که به مسئولیت همگانی در برابر خداوند اشاره دارد، معنادمی خواهند شد، زیرا مردم به مفهوم عام^۱، همگی در مقابل خداوند منزلت عبودیت و وظیفه بندگی دارند و همه باید تسلیم ربوبیت او در سرپرستی تکامل عالم باشند (میریاقری، ۱۳۹۸: ۴۱۲).^۲

بر این اساس ایستادن در نقطه تکلیف و مسئولیت مردم در امر نظارت و بازخوانی نظارت به مثابه یک فریضه دینی یکی از اساسی‌ترین تمایزات نگرش اسلامی با دیدگاه مدرن است که در آن نظارت شهروندان در زمره حقوق آنان به شمار می‌رود. بدین ترتیب ضرورت مسئله نظارت در نظام دینی برخلاف رویکرد حق محور مدرن که در آن ذی‌حق می‌تواند از حق خود در گذرد، تبیین می‌شود، به گونه‌ای که در رویکرد دینی نظارت از عهده مکلفین ساقط نخواهد شد؛ چرا که آن‌ها پیوسته در مقابل خداوند مسئول‌اند.

در ادامه به‌عنوان مصادیق تکالیف نظارتی امت، به سه تکلیف نظارتی یعنی نظارت بر رهبر، نظارت بر کارگزاران حکومت دینی و نیز نقش نظارتی نهادهای واسطه اشاره می‌گردد.

۱. شامل خود فقیه و ولی معصوم نیز می‌شود.

۲. بدیهی است این نظر در مقابل دیگر نویسندگانی قرار می‌گیرد که تلاش نمودند تا به نحوی «نظارت را هم حق و هم تکلیف» مردم بیان کنند تا جامع دیدگاه دینی و مدرن باشند. (پنگرید به: ملک افضلی اردکانی، ۱۳۸۲: ۳۶)

۱,۲,۳. تکلیف نظارتی امت بر رهبر حکومت دینی

نگاه تکلیف محور به نظارت، در کیفیت محتوای نظارت و نیز در حوزه راهکارها و نوع ضمانت اجرا، تفاوت‌های بنیادینی را موجب می‌شود. این نکته در ماهیت بیعت امت با حاکم به خوبی قابل بررسی است. توضیح آنکه «حاکم جامعه دینی در عصر غیبت باید مشروط به فقه حکومت عمل نماید و بیعت مردم نیز با ایشان بر مدار همین فقه حکومت است... لذا بیعت مردمی با ولی فقیه مقید به وفاداری او به دین، توانایی در اداره جامعه، تقوا در هدایت اجتماعی و همچنین مشروط به این است که شخص صالح‌تری از او ظهور نکند. چراکه در حقیقت بیعت اعلام وفاداری بر اساس تکلیف عبودیت امت نسبت به خداوند است، یعنی مومنین مکلف‌اند به لایق‌ترین شخص برای سرپرستی جامعه دینی اعلام وفاداری کرده تا قدرت و توسعه خلافت الهی به او سپرده شود» (میرباقری، ۱۳۹۸: ۴۱۳) این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که مفهوم «بیعت مردم» با حاکم در این نظام در واقع بیعت با دین و معنویت است و نه تسلیم شدن در مقابل یک شخص و محکوم شدن به اراده او. (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۲۶)

در نتیجه امت در عصر غیبت همواره باید مراقب و ناظر باشند که امام جامعه از معنویت و دین فاصله نگیرد، زیرا امام باید بتواند پیشوای دین و دنیا مردم و راهبر به‌سوی صلاح باشد، به همین علت است که امامت امت نمی‌تواند به افراد غیر عادل یا فاقد اهلیت و ویژگی‌های مذکور ولی فقیه در کتب فقهی برسد. (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۶) پس چون ملاک و معیار در جامعه دینی رشد امت در جهت قرب است، نقض هر یک از شروط بیعت از جانب ولی فقیه می‌تواند به‌عنوان مانعی در جهت رشد تلقی گردد و مهم‌ترین و اصلی‌ترین ضمانت اجرا یعنی «وجوب برداشتن بیعت از جانب امت» را محقق گرداند.

۲,۲,۳. تکلیف نظارتی امت بر مسئولین و کارگزاران حکومت دینی

اما فارغ از بحث بیعت با ولی فقیه، در سطوح مسئولین پایین‌تر که مدیران و کارگزاران حکومت دینی‌اند، باتوجه به اینکه اولاً «تکلیف امر به معروف و نهی از منکر» وجود دارد و ثانیاً مسئله بیعت مردم به واسطه عدم ولایت این سطح از کارگزاران مطرح نیست، عملاً شیوه و نوع ضمانت اجرا نیز متفاوت خواهد بود. در همین رابطه امام خمینی (ره) در پاسخ به استفتایی درباره «ولایت

اداری» مسئولین، ضمن رد وجود مفهوم «ولایت اداری» در اسلام بیان داشته‌اند: «کارمندان و مسئولین در ادارات فقط مسئولیت دارند که بر طبق مقررات اداره و دولت اسلامی عمل کنند و ولایتی بر کسی و چیزی ندارند. اگر برخلاف موازین شرعی یا قانونی عمل نمایند، دیگران می‌توانند بدون ایجاد هرج و مرج و فساد به آنان تذکر دهند.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۲۱۸)

در سنت و سیره اسلامی نیز جایگاه نظارتی مردم به‌خوبی قابل رویت است. حضرت امیر (ع) در زمانی که عبدالله بن عباس را برای حکومت بصره مأمور می‌کرد، در نامه‌ای خطاب به مردم آن ناحیه به این مطلب تصریح کردند که اگر عبدالله بن عباس در اطاعت از خداوند و رسول نبود، بدعت گذاشت و از حق روی گردان شد، به حضرت اطلاع داده تا وی را عزل کند. (شیخ مفید، ۱۳۷۱: ۴۲۰) البته حضرت امیر (ع) به صرف این مقدار نظارت مردمی اکتفا نکرده و در جهت نظام مندی و ساختارسازی نظارت مردم بر کارگزاران، برای افرادی که دسترسی مستقیم به ایشان نداشته اند، مرکزی به نام «بیت القصص» تعیین نموده تا انتقادات و شکایات مردم به شیوه‌ای مکتوب شده در آنجا انداخته شود (بنگرید به: ابن ابی‌الحدید، ج ۱۷، ۳۸۵: ۱ ق: ۸۷). همچنین ایشان نهادی مانند «دکة القضاء» را به تاسی از نهاد «قضاء المظالم» در زمان پیامبر (ص) برای رسیدگی به پیمان شکنی ها و خیانت‌های ولات، امرا و قضات در نظر گرفتند که برخی از آن تعبیر به «دیوان مظالم» کرده اند. (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۸۲: ۷۷)^۱

۳،۲،۳. نقش، جایگاه و تکلیف نظارتی نهادهای واسطه در حکومت دینی

نهادهای واسطه همان گونه که از عنوان آن بر می‌آید، گروه‌هایی هستند که واسطه مابین قدرت سیاسی و مردم عادی‌اند و به دلیل ساختار خاصی که دارند از گروه‌های مردمی تشکیل می‌شوند. این نهادها برخلاف نظارت مردمی به مفهوم عام کلمه، شیوه عملکرد بسیط نخواهند داشت، بلکه نظام‌مند بوده و باتوجه به حوزه فعالیتشان در جهت هدف خاصی هستند و بدین علت می‌توانند به

۱. نکته مهم آنکه نظارت مردم در رویکرد دینی بالضروره مشروط به رعایت موازین شرعی است، زیرا نباید به واسطه جلوگیری از منکری در جامعه اسلامی دست به دامان منکر دیگری شد و چنان‌که در متن نامه امام علی (ع) به مردم بصره آمده است، غایت نظارت مردمی باید در جهت اطاعت از خداوند و گسترش عبودیت باشد و نیز همان‌طور که در متن پاسخ استفتا امام خمینی (ره) نیز مشاهده گردید، ایجاد هرج و مرج و مفاسدی از این دست به اسم نظارت و... خود می‌تواند مخالف با غایت رشد محوری باشد که برای این فریضه وجود دارد.

صورت متمرکز و جزئی‌تر نسبت به نظارت مردمی، به مشارکت در نظام سیاسی و نظارت بر اعمال حکومت پردازند. از این روست که نهادهای واسطه می‌توانند در گسترش مردم‌سالاری دینی (به مفهومی که در این نوشتار مدنظر است) سهم بوده و در تقویت آن بکوشند.

در رویکرد دینی هدف و کارکردی که از نهادهای واسطه مطمح نظر است فارغ از غایت جامعه دینی نیست.^۱ به عبارت دیگر هدف نهادهای واسطه نه قدرت‌طلبی بلکه توسعه و گسترش عبودیت یا همان مفهوم رشد به واسطه قرب الهی و در نتیجه خشنودی و رضایت خداوند است. همان‌گونه که خداوند در قرآن کریم در توصیف «حزب‌الله» می‌فرماید: «آنان کسانی‌اند که خداوند ایمان را بر صفحه دل ایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن را تقویت فرموده... خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند» (مجادله: ۲۲) و این‌ها چون «ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را پذیرفتند، پیروز هستند.» (مائده: ۵۷)

بر این اساس نهادهای واسطه دینی باید (به معنای تکلیف شرعی) با نظارتی تخصصی در راستای اعتلای معارف اسلام بکوشند. به همین علت شیوه نظارت آنان به صورت نَمایی و تخریب حکومت دینی و عمال آن در ذهن مردم نباید باشد چرا که تضعیف نظام اسلامی خود از اهم منکرات به شمار می‌رود (امام خمینی، ج ۱۷، ۱۳۸۹: ۴۶۳)، در عوض در قالب نصیحت و خیرخواهی و با هدف کمک به نظام اسلامی و به دور ماندن حاکمان از فساد عمل می‌کنند. (ایزدهی، ۱۳۸۷: ۱۷۸) به همین علت است که شهید بهشتی در معنای مدرن حزب تصرف نموده و می‌گوید: «حزب در نظام اسلامی؛ یعنی گرد هم آمدن و سازمان یافتن افرادی که همدیگر را می‌شناختند و به همدیگر اعتماد دارند، به اسلام به عنوان یک دین و یک نظام اجتماعی و اقتصادی و معنوی معتقد هستند و می‌خواهند بر پایه حاکمیت اسلام، در اداره جامعه اسلامی سهم باشند.» (بهشتی، ۱۳۶۱: ۶۵۰)

۱. چنانکه پیش از این گذشت، اساساً نقش جامعه مدنی در دولت مدرن با صورت‌های گوناگون آن (اعم از حزب، انجمن، صنف و غیره)، در حالت سالم آن پیگیری خواست و امیال گروه‌های مردمی و در حالت منفی، پی‌جویی منافع صاحبان سرمایه در نظام سرمایه‌داری است. در واقع آنچه که در دولت مدرن دموکراتیک هدف به شمار می‌رود منفعت و خواست و امیال انسانی است (چه خواست اکثریت مردم تحت عنوان منافع ملی و چه امیال اقلیت صاحبان سرمایه) برای کسب قدرت یا حداقل سهم شدن در آن؛ لذا این که برخی تلاش نمودند میان مفهوم مدرن جامعه مدنی و مفهوم دینی مدینه النبی این‌همانی برقرار کنند (بنگرید به: جعفری، ۱۳۸۸: ۲۷۸-۲۸۰) و یا اینکه بدون توجه به فلسفه و مبنای جامعه مدنی آن را برای نظام اسلامی نیز تجویز می‌کنند (بنگرید به: اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۷۶-۱۷۸) التقاطی عبث است.

از طرف دیگر امام خمینی (ره) نیز به گونه‌ای با تصرف در مفهوم نهادهای واسطه غربی که مستقل از دولت هستند با طرح تشکیل «وزارتخانه امر به معروف و نهی از منکر» که مستقل از دولت باشد به دنبال یک نظام نظارتی عام و فراگیر بودند. ایشان در کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب این ایده را مطرح نمودند: «ما با دایره امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه مستقل بدون پیوستگی به دولت است و تأسیس خواهد شد ان شاء الله، مبارزه با فساد می‌کنیم... حدود اسلام را جاری می‌کنیم؛ خوف از اینکه غرب نمی‌پسندد نمی‌کنیم.» (امام خمینی، ج ۶، ۱۳۸۹: ۲۷۴) و برای اجرایی نمودن این ایده چند ماه بعد طی حکمی به شورای انقلاب خواستار تشکیل اداره امر به معروف و نهی از منکر شدند. (امام خمینی، ج ۹، ۱۳۸۹: ۲۱۳) هرچند که بواسطه فشارهای دولت موقت و شورای انقلاب، این حکم امام به مرحله اجرا نرسید.^۱

۵. گسترش مردم‌سالاری دینی، مولود تکلیف نظارت

آن‌چنان که از دانش واژه مردم‌سالاری دینی بر می‌آید، سالاریت مردم مبتنی بر امر دین و چارچوب‌های آن ملاک است. به تعبیر دیگر مردم‌سالاری در مکتب سیاسی اسلام از متن دین برخاسته است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۱۴) و به همین علت است که گفته می‌شود «این واژه یک ترکیب بسیط است و نه مرکب». یعنی بدین گونه نیست که مردم‌سالاری یک مفهوم جدا باشد و دین هم یک مفهوم جدا و آنگاه از ترکیب این دو، نهاد سومی متولد شود تحت عنوان «مردم‌سالاری دینی». (ایزدهی، صدیق تقی زاده، ۱۳۹۴: ۲۹) لذا اساساً سالاریت مردمی در نظام دینی به لحاظ ماهوی و جوهری متفاوت از سالاریت مردم در دموکراسی‌های مدرن است. چه آنکه بنیان دموکراسی مبتنی بر اندیشه اومانیسم است و مردم بر اساس امیال، علاقه‌های درونی و نفس خود اتخاذ تصمیم می‌نمایند (زرشناس، ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۲۳) و در یک کلام این انانیت و یا نحائیت انسان

۱. سید احمد خمینی در سال ۱۳۷۲ این توضیحات را پیرامون حکم امام ذکر کرده‌اند: «این حکم چندی بعد از پیروزی انقلاب از طرف امام خمینی صادر شد و به محض اینکه شایع شد که امام چنین حکمی صادر کرده‌اند، از طرف شورای انقلاب و دولت موقت آمدند و به هر وسیله‌ای که بود جلوی آن را گرفتند، به دو علت: الف: هنوز تشکیلاتی برای به اجرا در آوردن آن نیست. ب: هرج و مرج می‌شود و هر کس، هر فردی را به محکمه می‌برد و یارو جانپون شهرها که وارد هم نیستند، دخالت می‌کنند. امام گرچه به هیچ وجه قبول نداشتند، ولی چون عده‌ای گفتند، قبول کردند. بعدها معلوم شد که اگر این حکم به اجرا گذاشته می‌شد با توجه به جو انقلابی می‌توانستیم جلوی خیلی از کارهای خلاف را بگیریم. و به عقیده من دولت موقت از اینکه به محاکم کشیده شوند، هراس داشت. (صحیفه امام، ج ۹، پاورقی، ۱۳۸۹: ۲۱۳)

است که در این اندیشه موضوعیت دارد. حال آنکه سالاریتِ نفس در تفکر دینی به شدت مذموم بوده و در مقابل، تقوا محوری و رشد در جهت عبودیت قرب به معبود است که می‌تواند اَمّت را به تعالی برساند. پس در مردم‌سالاری دینی، دین خداوند با عقیده و آرا مردم در جهت عبودیت پیوند می‌خورد و به تعبیر عرفان اجتماعی، اَمّت اراده خود را فانی در اراده خداوند می‌کنند. (پیرزمنده، ۱۴۰۰: ۱۶۱ و ۱۶۵) بر اساس توضیحات فوق، هرگونه تفسیر مدرن‌مآبانه از واژه مردم‌سالاری دینی ناصواب بوده و حداقل در نوشتار حاضر مورد نظر نیست.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد اگر مسئله نظارت را از جنس تکلیف شرعی بازخوانی کنیم که برای آن حقیقتی نفس‌الامری فرض است و همچنین آن را به صورت «تکلیف همگانی» مدنظر قرار دهیم، همان‌گونه که در امر به معروف و نهی منکر چنین است (یعنی احاد اَمّت نسبت به رشد یکدیگر و در مقیاس بالاتر در رشد جامعه وظیفه دارند)، در نتیجه یک نظام نظارت پویای اجتماعی همگانی که مقید به قیود دینی است پایه‌گذاری می‌شود. به تعبیر دیگر برای اینکه نظام اسلامی از هر گزندی محفوظ بماند، مردم به عنوان «ناظر ملّی» تکلیف شده‌اند تا بر حسن اجرای قانون دینی نظارت کنند و به همین علت امر به معروف و نهی منکر بر همه (نه فقط بر دولت یا فقط بر مردم، چنان که در اصل ۸ قانون اساسی نیز آمده است) به صورت کفایی واجب شده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۸۹)

باتوجه به مراتب فوق، مشارکت مردم در تمامی مراحل نظام سیاسی اسلام ضروری است. در واقع فقط آرا مردم برای انتخابات مدنظر نیست؛ بلکه مسئولیت در مقابل این آرا، یک مسئولیت حقیقی است که مردم باید آن را مطالبه کنند (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲) تالی و فاسد این مسئله در ادبیات امام خمینی (ره) نیز هویدا است: «داشتن وزیر و نماینده مجلس یک امر دل‌خواهی نیست، بلکه مسئله سپردن یک مملکت به دست کسی است که اگر فرد فاسدی باشد، به اسلام صدمه وارد می‌کند؛ بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید امر سیاسی به «من» مربوط نیست، چرا که امر سیاسی به حفظ اسلام مربوط است و حفظ اسلام بر عهده همه است؛ بنابراین ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت، مجلس و همه چیز و برونند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد... اگر [مردم] دخالت نکنند و یک صدمه‌ای به اسلام برسد، هر یک مادر محکمه عدل الهی مسئول هستیم.» (امام خمینی، ج ۱۵، ۱۳۸۹: ۱۷)

نتیجه‌گیری

برآیند مقاله حاضر آن است که برای گسترش مردم‌سالاری دینی به‌عنوان رکن رکن حکومت دینی باید مفهوم «نظارت» را مبتنی بر اندیشه دینی بازخوانی کرد. به این توضیح که نظارت باید در زمره تکالیف شرعی اُمت تلقی شود و تکلیف شرعی نیز در اندیشه دینی دارای آثار تکوینی و نفس‌الامری است؛ بنابراین از این طریق است که مسئولیت مردم و نهادهای واسطه ضروری تلقی خواهد شد. این امر، نخست باعث آن خواهد شد که به لحاظ ترتب، اولویت و ارجحیت با نظارت درونی افراد باشد و دوم آنکه ابتدای نظارت بیرونی نیز بر نظارت درونی قرار گیرد، زیرا در اندیشه دینی رشد حقیقی یا همان قرب نزد خداوند جز از طریق عبودیت بندگان تحقق نمی‌یابد. بر این اساس در چنین جامعه‌ای کسی می‌تواند امام و راهبر اُمت در جهت عبودیت باشد که بیش از دیگران عبد خداوند باشد و «قدرت» را نه برای خود بلکه برای سرسپاری به عبودیت خداوند بخواهد. البته به تبع امام سایر کارگزاران نیز باید در مرتبه بالاتری از عبودیت و بریدگی از نفس و تعلقات دنیوی باشند و به همین علت است که مسئله نظارت پیشینی با چنین منطقی، منطبق می‌شود. در غیر این صورت، اگر صرفاً بر اساس اشتراک لفظی مفهوم «نظارت» به دنبال توجیه نظری مدرن و حق‌محور آن در حکومت دینی باشیم نه تنها نوع نظارت درونی و همچنین نظارت پیشینی عقلانی نمی‌نماید؛ بلکه به خاطر برداشت منفی از مفهوم «قدرت»، شهریاران و کارگزاران‌شان جزء منفورترین افراد هستند که صرفاً سوءاستفاده از قدرت را می‌شناسند. به همین علت مفهوم مدرن نظارت خلاصه می‌شود به نظارت بیرونی و عینی با سازوکارهای فرمالیستی و میکانیکی همچون تفکیک قوا و شفافیت.

Reference

Books

قرآن کریم

- Ibn Abi al-Hadid Izz al-Din Abdul-Hamid ibn Hibatullah Mu'tazili (1385 AH). Commentary on Nahj al-Balagha, second edition, Cairo: Dar Ihya al-Turahat al-Arabi.[In Persian]
- Akhavan Kazemi Bahram (2012), Supervision in the Islamic System, first edition, Tehran: Publications Organization of the Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Al-Amili Muhammad ibn Jamal al-Din (1309 AH). Rawdah al-Bahiya fi Sharh al-Luma' al-Dimashqiyyah, Volume 2, Tehran: Islamiyah Press. [In Persian]
- Imam Khomeini Seyyed Ruhollah (2010), Sahifeh Imam, Volumes 6, 9, 11, 15, 17, 18, and 19, Fifth Edition. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Emami Mohammad and Estavar Sangar Kourosh (2019), Administrative Law, Volume 1, 25th Edition, Tehran: Mizan Publishing House. [In Persian]
- Izadehi Seyyed Sajjad (2008), Monitoring Power in Political Jurisprudence, First Edition, Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. [In Persian]
- Beheshti Seyyed Mohammad Hossein (1982). He Alone Was a Nation. First Edition, Tehran: Cultural Branch of the Islamic Revolution Martyr Foundation. [In Persian]
- Pirouzmand Alireza (1400), Reasonable System, second edition, Qom: Book of Tomorrow. [In Persian]
- Pourfard, Masoud (2005), Religious Democracy, First Edition, Qom: Research Institute for Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
- Jafari Ghasem (2009), Jurisprudential Principles of Citizens' Supervision of Rulers (with Emphasis on Imam Khomeini's Opinion), First Edition, Tehran: Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute. [In Persian]
- Javadi Amoli Abdullah (2011), Society in the Quran, Qom: Israa Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli Abdullah (2019), Velayat al-Faqih, Velayat al-Jurisprudence and Justice, 20th edition, Qom: Israa Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli Abdullah (1403), Man from Beginning to End, 11th edition, Israa Publishing Center. [In Persian]
- Jones, William Thomas (2004). The Gods of Political Thought. Volume 2. Translated by: Ali Ramin, Fourth Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Hosseini Haeri Seyyed Kazem (1402), Islamic Governance in the Age of Occultation, Translators: Mohammad Hossein Kakuei and Seyyed Mehdi Nouri Kizghani, First Edition, Tehran: International Printing and Publishing Company. [In Persian]
- Hosseini Shirazi (1982). Fiqh al-Sivasivvah. first edition. Oom: Dar al-Iman. [In Persian]
- Deflam, Matthew (2019), Sociology of Law: Insights into the Intellectual Tradition, translated by Sina Bastani, first edition, Tehran: Institute of Culture, Art and Communication. [In Persian]
- Maurice Duverger (1993), Political Sociology, translated by Abolfazl Ghazi, third edition, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Dehkhoda Ali Akbar (1994), Dehkhoda Dictionary, Volume 10, First Edition of the New Edition, Tehran: Tehran University Publishing and Printing Institute. [In Persian]
- Rasek Mohammad (2018), Checks and Balances in the Constitutional Law System, 5th edition, Tehran: Drak Publications. [In Persian]

- Jean-Jacques Rousseau (1962), The Social Contract, translated by Gholam-Hossein Zirakzadeh, fourth edition. Tehran: Cheher Joint Stock Company Publications. [In Persian]
- Zarshenas Shahriar (2013), Civil Society, First Edition, Qom: Maarif Publishing House. [In Persian]
- Zoller Elizabeth (2017), An Introduction to Public Law, Translated by Seyyed Mojtaba Vaezi, Third Edition. Tehran: Javedaneh Publications. Jangal. [In Persian]
- Seyyed Fatemi Sevvad Mohammad Oari (2009). Human Rights in the Contemporary World, Volume 1, Second Edition, Tehran: Shahr Danesh. [In Persian]
- Shafi'i Sarvestani Esmail (2004), Thought, Culture and Literature, Civilization, First Edition, Tehran: Hilal. [In Persian]
- Sheikh Ansari Morteza (1989), Book of Makasib, Volume 3, Third Edition, Qom: Institute of Religious Studies. [In Persian]
- Sheikh Sadouq Mohammad Bin Ali (1395 AH), Kamal al-Din and Tammam Al-Naimah, Volume 2, Second Edition. Tehran: Islamia Press. [In Persian]
- Sheikh Tusi Muhammad ibn Hassan (Bita), Al-Tabyan, Beirut: Dara Hayya Al-Turaht Al-Arabi. [In Persian]
- Sheikh Mufid (1371). Al-Muiamil, researched by Seyyed Ali Mir Sharifi, Qom: Maktaba Al-Ilam Al-Islami. [In Persian]
- Taheri Habibollah (2014), Lessons from Islamic Ethics or Manners of Conduct, 17th edition, Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
- Taheri Khorramabadi Seyed Hassan (2011), Wilayat and Leadership in Islam, second edition, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
- Tabatabaei Motmani Manouchehr (2007), Basic Law, 11th edition, Tehran: Mizan Publishing House. [In Persian]
- Fattahi Zafargandi Ali (2015), People and Islamic Government, Third Edition, Tehran: Guardian Council Research Institute. [In Persian]
- Judge Sevvad Abolfazl (2019). Fundamental Rights and Political Institutions, 15th edition, Tehran: Mizan Publishing House. [In Persian]
- Gorji Ali Akbar (1403), Fundamentals of Public Law, 8th edition, 4th edition, Tehran: Jangal. [In Persian]
- Mortezaei Seyed Ahmad (2013), Principles and Mechanisms of Supervision in the Islamic Government. First Edition, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Lipset Seymour Martin, (2003), Encyclopedia of Democracy, translated by Kamran Khani and Noorollah Moradi, Volume 2, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
- Majlesi Mohammad Baqer (1363). Bihar al-Anwar al-Jamaa Ledar al-Akhbar, volume 72, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian]
- Motahari Morteza (2009), Generalities of Islamic Sciences, Volume 1, Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Moein Mohammad (2003), Moein Persian Dictionary, Volume 2, First Edition, Tehran: Sigol Publications. [In Persian]
- Malek Afzali Ardakani Mohsen (2003), Supervision and Supervisory Institutions, First Edition, Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publication Organization. [In Persian]
- Montazeri Hossein Ali (1409 AH). Jurisprudential Principles of Islamic Government. translated by Mahmoud Salavati and Abolfazl Shakuri, Volume 3, Qom: Kayhan Institute. [In Persian]

- Mir Baqeri Seyyed Mohammad Mahdi (2011), Divine Province, 6th edition, Qom: Fajr Province Cultural Institute. [In Persian]
- Mirbagheri Seyyed Mohammad Mahdi (2019), The Wisdom of Government, Volume 1, First Edition, Qom: Modern Islamic Civilization. [In Persian]
- Mirbagheri Seyyed Mohammad Mahdi (2019), The Wisdom of Government, Volume 2, First Edition, Qom: Modern Islamic Civilization. [In Persian]
- Vaezi Ahmad (1998). Civil Society. Religious Society. First Edition. Qom: Publications Organization of the Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Vaezi Seved Moitaba (1401), Comparative Administrative Law, First Edition, Tehran: Datik Publications. [In Persian]
- Weber, Max (2009). Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism, first edition, Tehran: Jami.
- Hobbes, Thomas (2003), Leviathan, translated by Hossein Bashirieh, Tehran: Nay Publishing House. [In Persian]
- Held David (1999). Models of Democracy, translated by Abbas Mokhbar, second edition, Tehran: Roshangaran and Women's Studies Publications. [In Persian]
- Heywood Andrew (2007), Key Concepts in Political Science, translated by Abbas Karvan and Hassan Saeed Kalami, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]

Articles

- Izadehi Seved Sajjad and Seddiq Taghizadeh Seddigheh (2015), "Is Religious Democracy a Simple or Complex Category?", Bi-Quarterly Journal of Political Knowledge, No. 13, pp. 29-46. [In Persian]
- Akhwan Kazemi. Bahram (2013). "External supervision in political systems", Journal of Islamic Government, No. 33, pp. 110-140. [In Persian]
- Javidi Ahmadi Seyyed Mohammad Sadeq (2017), "An Analysis of the Concept of the Right to Public Supervision over Power Based on the Two Relationships of Right-Claim and Right-Freedom", Quarterly Journal of Public Law Studies, Volume 47, Issue 3, pp. 707 to 723, <https://doi.org/10.22059/jpls.2017.213762.1326>. [In Persian]
- Imani Ali and Ahmadvand Vali Mohammad (2018). "Eliminating Corruption from Official Institutions Using the Theory of Separation of Powers", Religious and Law Promotional Quarterly, No. 22, pp. 11-41. [In Persian]
- Shahriari, Ruhollah (1400), "Human Nature in Hobbes' Thought and Evaluating Its Moral Consequences Based on the Opinions of Allameh Tabataba'i", Journal of Revelation Ethics, Year 11, No. 1. [In Persian]
- Fathollahi Neda (1401), "Comparison of Supervision and Inspection in Islamic and Non-Islamic Administrative Systems", 12th National Conference on Management and Humanities Research in Iran, University of Tehran. [In Persian]
- Kadkhodaei Abbas Ali and Javaheri Tehrani Mohammad (2012). "Separation of Powers; A Sanctified Dream", Islamic Government Journal, Year 17, No. 1. [In Persian]
- Mousavi Asl Seyyed Saeed (2018), "Subjective Approach to Law in Kant's Philosophy", Islamic Wisdom Journal, Year 5, No. 1. [In Persian]
- Masoudi, Malihe, Vaezi Seved Moitaba (1401), "The Foundation of State Responsibility Based on the Nature of the State in the Thought of Jean Jacques Rousseau", Scientific Research Quarterly of Public Law, Volume 24, Number 76. [In Persian]

Thesis

- Aliayee Hamidreza, (1403), Analytical Rereading of the Islamic Revolution and the Transition from Nihilism to the Contemporary Legal System in the Light of Martyr Avini's Thought,

Master's Thesis, Supervisor: Seyyed Saeed Mousavi Asl, Shiraz University, Faculty of Law and Political Science. [In Persian]

Rules

Declaration of the Rights of Man and the Citizen. 1789. France. [In Persian]

Constitution of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]

Website

Avini Seyyed Morteza (Bita). Equality. Date of Access: 18/1/1404: <https://old.avinv.com/article/avinv/index2.aspx>. [In Persian]

Imam Khamenei Seyyed Ali (6/12/1375). Statements in a Meeting with Officials of the Inspection Organization. Date of Access: 18/1/1404: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17929>. [In Persian]

Imam Khamenei Seyyed Ali (12/9/1379). Statements in a Meeting with System Officials. Date of Access: 18/1/1404: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>. [In Persian]

Imam Khamenei Seyyed Ali (26/9/1382). Statements in a Meeting with a Group of Qazvin Students. Date of Access: 18/1/1404: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5703>. [In Persian]

Imam Khamenei Seyyed Ali (14/3/2004). Speeches at the ceremony of the 15th anniversary of the passing of Imam Khomeini (may God have mercy on him). Date of access: 18/1/1404: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3233>. [In Persian]

Imam Khamenei Seyyed Ali (26/8/2009). Speeches at the meeting with the people of Isfahan on the day of Eid al-Adha. Date of access: 18/1/1404: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10608>. [In Persian]

Noun

Cunningham, Frank (2002). Theories of Democracy, New York: Rutledge press.

Dahl, Robert A (2000). Democracy, London: Yale University press.

Jefferson, Thomas (1984). Notes on the State of Virginia, New York: Literary Classics of the United States.

Kant, Immanuel (2013). An Answer to The Question: 'What is enlightenment?'. Penguin England: Books.

Kirrpatrik, Jeane J. (1982). Democratic Election and Democratic government, American Enterprise Institute and United State Department of State.

Robertson, David (1998). Dictionary of politics, London: Penguin books.

Sartori, Giovanni (1987). The Theory of Democracy Revisited. New Jersey: Chatham House

Shapiro, Ian (2003). The State of Democratic Theory, London: Princeton University Press.

